

6.who, although He existed in the form and unchanging essence of God [as One with Him, possessing the fullness of all the divine attributes—the entire nature of deity], did not regard equality with God a thing to be grasped or asserted [as if He did not already possess it, or was afraid of losing it];

7.but emptied Himself [without renouncing or diminishing His deity, but only temporarily giving up the outward expression of divine equality and His rightful dignity] by assuming the form of a bond-servant, and being made in the likeness of men [He became completely human but was without sin, being fully God and fully man].

8.After He was found in [terms of His] outward appearance as a man [for a divinely-appointed time], He humbled Himself [still further] by becoming obedient [to the Father] to the point of death, even death on a cross.

6. او که همذات با خدا بود، از
برابری با خدا به نفع خود
بهره نجست،

7. بلکه خود را خالی کرد و
ذات غلام پذیرفته، به شباهت
آدمیان درآمد.

8. و چون در سیمای بشری
یافت شد خود را خوار ساخت
و تا به مرگ، حتی مرگ بر
صلیب مطیع گردید.

9.For this reason also [because He obeyed and so completely humbled Himself], God has highly exalted Him and bestowed on Him the name which is above every name,

10.so that at the name of Jesus every knee shall bow [in submission], of those who are in heaven and on earth and under the earth,

11.and that every tongue will confess and openly acknowledge that Jesus Christ is Lord (sovereign God), to the glory of God the Father.

9.پس خدا نیز او را به غایت
سرافراز کرد و نامی برتر از
همه نامها بدو بخشید،

10.تا به نام عیسی هر
زانویی خم شود، در آسمان،
بر زمین و در زیر زمین،

11.و هر زبانی اقرار کند که
عیسی مسیح 'خداوند' است،
برای جلال خدای پدر.

Introduction to the Reading 18 September

2022 Acts 16:25-34: The Apostle Paul, together with Silas, his companion, is travelling in Europe, in the north of Greece. In Philippi, Paul casts out a spirit that can tell fortunes from a servant woman. Because he thereby causes the money source of the fortune teller's masters to stop, Paul and Silas are beaten and thrown into prison. Our pantomime from Acts 16 tells what Paul and Silas experience in prison and how they become a blessing to the jailer and his family.

خواندن مقدمه 18/9/22 اعمال رسولان 16:25-

34

پولس رسول به همراه همسفرش سیلاس در اروپا در شمال یونان سفر می کند. در فیلیپی، پولس روحی را از بدن یک خدمتکار زن بیرون می کند که می توانست پیشگویی کند. پولس و سیلاس را کتک می زنند و به زندان می اندازند، زیرا اعمال آنها باعث می شود منبع درآمد فالگیران از بین برود (متوقف شود). پانتومیم ما از اعمال 16 آنچه را که پولس و سیلاس در زندان تجربه می کنند و چگونه به زندانبان و خانواده اش برکت می دهد، را بیان می کند.

25. But about midnight when Paul and Silas were praying and singing hymns of praise to God, and the prisoners were listening to them;

26. suddenly there was a great earthquake, so [powerful] that the very foundations of the prison were shaken and at once all the doors were opened and everyone's chains were unfastened.

27. When the jailer, shaken out of sleep, saw the prison doors open, he drew his sword and was about to kill himself, thinking that the prisoners had escaped.

25. نزدیک نیمه شب، پولس و سیلاس مشغول دعا بودند و سرودخوانان خدا را ستایش می کردند و دیگر زندانیان نیز بدیشان گوش فرا می دادند

26. که ناگهان زمین لرزه ای عظیم رخ داد، آن گونه که اساس زندان به لرزه درآمد و درهای زندان در دم گشوده شد و زنجیرها از همه فرو ریخت.

27. زندانبان بیدار شد، و چون درهای گشوده زندان را دید، شمشیر برکشید تا خود را بکشد، زیرا می پنداشت زندانیان گریخته اند.

28. But Paul shouted, saying, "Do not hurt yourself, we are all here!"
29. Then the jailer called for torches and rushed in, and trembling with fear he fell down before Paul and Silas,
30. and after he brought them out [of the inner prison], he said, "Sirs, what must I do to be saved?"
31. And they answered, "Believe in the Lord Jesus [as your personal Savior and entrust yourself to Him] and you will be saved, you and your household [if they also believe]."

28. اما پولس با صدای بلند ندا در داده،
گفت: «به خود آسیب مرسان که ما همه اینجا ایم!»

29. زندانبان چراغ خواست و سراسیمه به درون زندان رفت و در حالی که می‌لرزید به پای پولس و سیلاس افتاد.

30. سپس، ایشان را بیرون آورد و پرسید: «ای سروران، چه کنم تا نجات یابم؟»

31. پاسخ دادند: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانوات نجات خواهید یافت.»

32. And they spoke the word of the Lord [concerning eternal salvation through faith in Christ] to him and to all who were in his house.

33. And he took them that very hour of the night and washed their bloody wounds, and immediately he was baptized, he and all his household.

34. Then he brought them into his house and set food before them, and rejoiced greatly, since he had believed in God with his entire family [accepting with joy what had been made known to them about the Christ]

32. آنگاه کلام خداوند را برای او و همه کسانی که در خانه‌اش بودند، بیان کردند.

33. در همان ساعت از شب، زندانیان آنها را برداشته، زخم‌هایشان را شست، و بی‌درنگ او و همه اهل خانه‌اش تعمید گرفتند.

34. او ایشان را به خانه خود برد و سفره‌ای برایشان گسترد. او و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا بسیار شاد بودند.

Dear congregation!

1. By a miracle the prisoners, including Paul and Silas, are released. The jailer is shocked. He realises there is something special about Paul and Silas and asks them, "What must I do to be saved?" Paul and Silas answer: "Believe in the Lord Jesus, and you will be saved, and all your household with you." (Acts 16:32) "Who is Jesus, the Lord?", the jailer might ask.

اعضای عزیز!

1. اسیران از جمله پولس و سیلاس به طور معجزه آسایی آزاد می شوند. زندانبان شوکه شده است. او متوجه می شود که چیز خاصی در مورد پولس و سیلاس وجود دارد و از آنها می پرسد: "برای نجات چه باید بکنم؟" پولس و سیلاس پاسخ می دهند: "به عیسی مسیح ایمان داشته باشید، و تو و به همراه تو اموات و خانواده ات نجات خواهید یافت" (اعمال رسولان 16:32). زندانبان ممکن است پرسد این عیسی که خداوند است کیست؟

2. The answer is given in the Philippians Hymn, our sermon text today, which we prayed at the beginning of the service. This early Christian hymn from Paul's letter to the Philippians is one of the oldest testimonies of the New Testament. This song was written in the year 40 A.D., 10 years after Jesus' crucifixion and resurrection.

2. پاسخ فیلیپی، متن خطبه امروز ماست، که در ابتدای مراسم به صورت دعا بیان شد. این آهنگ غیرمسیحی از رساله پولس به فیلیپیان یکی از قدیمی ترین شهادت ها در کتاب عهد جدید است. این آهنگ در سال 40 بعد از میلاد، 10 سال پس از مصلوب شدن و رستاخیز عیسی نوشته شده است.

3. At that time there were about 2000 Christians among 60 million people in the Roman Empire. This means that at that time there were fewer Christians in the whole world than the Kreuzkirche has members today. But through the Holy Spirit, these early Christians knew exactly who Jesus was then, and speak out with the confidence of faith who their Lord is.

3. در آن زمان حدود 2000 مسیحی در میان جمعیت 60 میلیون نفری در امپراتوری روم زندگی می کردند. در آن زمان تعداد مسیحیان در سرتاسر جهان کمتر از اعضای امروزی کلیسای ما بود. اما از طریق روح القدس، این مسیحیان اولیه دقیقاً می دانستند که عیسی کیست و با اطمینان ایمان صحبت می کردند که پروردگارشان کیست.

4. "He was of divine form",
"equal with God". (Phil 2:6)
Jesus is God. But not a God
enthroned up in heaven giving
orders to people "from above".
Jesus "laid down the divine
form and took that of a
servant. In all things he
became like men." (Phil 2:7abc)
Jesus goes all the way down,
he humbles himself, is nailed to
the cross, suffers, dies. But the
heavenly Father exalts Jesus.

4. «ظاهری خدایی»، «همانند
خدا». (فیلیپیان ۲:۶) عیسی
خداست. اما نه خدایی که در بهشت
بر تخت نشسته و به مردم «از بالا»
دستور دهد. عیسی «با شکلی
خدایی فرود آمد و شکل بنده را به
خود گرفت و در همه چیز مانند
انسان شد.» (فیلیپیان ۲: ۷abc)
عیسی تا آخر مسیر می رود، خود را
تحقیر می کند، به صلیب میخکوب
می شود، رنج می برد، می میرد. اما
پدر آسمانی عیسی را تجلیل می کند.

5. He rises from the dead, goes to heaven, sits at the right hand of God. Jesus is now above all others. Before him all people will kneel and all will sing: Jesus is Lord! From the very top, our Lord and God goes to the very bottom and back to the very top. For our sake, Jesus goes to the very bottom. He comes to us, the sinners who cannot stand before God. He does not want us to be lost, therefore he carries us sinners on his shoulders and dies our death.

5. او از مردگان برمی خیزد، به آسمان می رود، در دست راست خدای پدر می نشیند. عیسی اکنون بالاتر از دیگران است. همه مردم در برابر او زانو خواهند زد و همه خواهند سرود: عیسی خداوند است! از بالاترین ها، پروردگار و خدای ما به پایین می آید و دوباره به اوج آسمان ها می رود. به خاطر ما، عیسی تمام راه را پایین می آید. او نزد ما می آید، گناهکارانی که از شرم گناه نمی توانند در برابر خدا بایستند. او نمی خواهد ما هلاک شویم، پس گناه ما گناهکاران را بر دوش می کشد و به خاطر ما می میرد.

6. We are saved and taken along by Jesus on his journey upwards. We too are lifted up with him, have in Jesus a stopping point beyond the problems of everyday life. With him, eternal, indestructible life has already begun and with Jesus we stand above everything that wants to pull us down. We are Christians, we already belong to the one whose name is above all names, we are unassailable with him.

6. ما نجات یافته‌ایم و با عیسی در سفر به سمت بالا همراه خواهیم بود. ما نیز با او متعالی خواهیم شد؛ در عیسی ما نقطه مرجعی فراتر از مشکلات زندگی روزمره داریم. با او، زندگی ابدی و نابود نشدنی از قبل آغاز شده است و ما با عیسی بالاتر از هر چیزی که می‌خواهد ما را به زیر بکشد، ایستاده ایم. ما مسیحی هستیم، از قبل به کسی تعلق داریم که نامش بالاتر از همه نام‌هاست و با او غیرقابل نفوذ هستیم.

7. Jesus is also with us today. He goes with us - from his unassailable place in heaven - to where we live. If we are at the bottom right now, Jesus is with us at the bottom, on the park bench, in the hostel. He was with us on the run, in sickness, in depression. But Jesus also pulls us out of misery. So he walks with you, who have fled your homeland, after many arduous years, into a better future

7. عیسی امروز نیز با ماست. او از مکان غیرقابل نفوذ خود در بهشت، در هر کجا که زندگی می کنیم ما را همراهی می کند. اگر در حال حاضر در پایین هستیم، عیسی با ما در پایین، روی نیمکت پارک، و یا در خوابگاه است. او در فرار، در بیماری، در افسردگی با ماست. عیسی ما را از فلاکت بیرون می کشد. بنابراین او با شما که از وطن خود فرار کرده اید، پس از سال های طولانی به سوی آینده ای بهتر می رود.

8. Most of you will find your place in Germany, earn good money, find more peace. Your children will be at home here in Germany and have many opportunities. All your efforts will have been worthwhile and you will finally look back with gratitude. Jesus will go with you on this way up. You will smile and be satisfied and the Lord will continue to walk by your side, rejoice with you, continue to support you, heal all wounds.

8. بیشتر شما جایگاه خود را در آلمان پیدا خواهید کرد، پول خوبی کسب خواهید کرد، آرامش بیشتر خواهید داشت. فرزندان شما در آلمان در خانه خواهند بود و فرصت های زیادی خواهند داشت. تمام تلاش ها ارزشش را داشته است و در نهایت با سپاسگزاری به گذشته نگاه خواهید کرد. عیسی این راه را با شما طی می کند. لبخند می زنی و راضی می شوی و خداوند در کنارت به راه رفتن ادامه می دهد، با تو شادی می کند، به حمایت ادامه می دهد، و همه زخم هایت را التیام می بخشد.

9. For the majority of the natives who have lived in prosperity in Germany for decades, who have been on top, something else applies. Due to climate change, the German model of prosperity in its previous form will have no future. We will drive less, fly less, eat less meat. In some respects, we will become poorer while temperatures in Germany rise. But the good news is: Jesus will be with us in this descent.

9. چیز دیگری که در مورد اکثر مردم محلی صدق می کند این است که آنها دهه ها در آلمان در رفاه زندگی کرده اند، یعنی در صدر رفاه قرار گرفته اند. به دلیل تغییرات اقلیمی، مدل رفاه آلمان به شکل فعلی آینده ای نخواهد داشت. ما کمتر ماشین می رانیم، کمتر پرواز می کنیم، کمتر گوشت می خوریم. از جهاتی با افزایش دما در آلمان فقیرتر خواهیم شد. اما خبر خوب این است: عیسی در این نزول نیز با شما خواهد بود.

10. Is it really so bad to live more modestly again and less in prosperity? No, it is not so bad. Because our heart is not attached to prosperity, it should not be attached to it. Our heart is attached to Jesus and can therefore tolerate many a descent, many a downward change. The refugees among us know this experience, we Germans have to learn it again. Jesus goes with us - upwards and downwards and in whatever direction we are travelling. Jesus is with us and therefore it is a good path that we are taking.

10. آیا واقعاً این بد است که متواضعانه تر و کمتر مرفه زندگی کنیم؟ نه، آنقدرها هم بد نیست. زیرا دل ما به رفاه دل‌بسته نیست و نباید به آن دل‌بسته باشد. قلب ما به عیسی دل‌بسته است و بنابراین می‌تواند پستی و بلندیهای زیادی را تحمل کند. پناهندگان در میان ما این پستی و بلندی را تجربه کرده اند. ما آلمانی‌ها باید دوباره آن را یاد بگیریم. عیسی با ما راه می‌رود با او بالا و پایین و به هر سمتی که می‌رویم. عیسی با ما است و بنابراین راهی که ما در حال قدم زدن هستیم راه خوبی است.

11. In his letter to the Philippians, Paul quotes this praise to Jesus, who comes down to us and goes up with us. Here he has especially in mind that Jesus is a model for us Christians in this downward journey. Paul says: "In your dealings with one another, always remember what is true in the fellowship with Jesus Christ" (Philippians 2:5). Since then, it has been clear that we Christians should not "hold our noses high" in our behaviour and look down on others, but rather bend downwards.

11. پولس در نامه خود به فیلیپیان این ستایش را در خصوص عیسی نقل می کند که او به خاطر ما پایین می آید و سپس با ما به سوی بالا می رود. در اینجا او تمرکز ویژه ای بر این واقعیت دارد که عیسی در این مسیر نزولی یک الگو برای ما مسیحیان است. پولس می گوید: «همیشه در روابط خود با یکدیگر آنگونه که عیسی مسیح رفتار می کند را ملاک عمل قرار دهید» (فیلیپیان 2:5). از آن زمان مشخص شد که ما مسیحیان نباید «خود بزرگ بینانه برخورد کنیم» ، بلکه باید متواضع باشیم.

12. This means that Christians have "a downward gaze". Towards the poor, the problem-ridden, the weak, the sick, the refugees, the victims of war. Christians do not overlook these people and do not despise them. Our Lord went preferentially to these people and we are to do the same. People who are strong and healthy, content and happy and able to take responsibility are not to cling to their strength like a thief to his prey. Their task is to serve others with their possibilities.

12. این بدین معنیست که مسیحیان همیشه نسبت به فقرا، مشوشان، ضعیفان، بیماران، پناهندگان، قربانیان جنگ «نیم نگاهی به پایین دست ها دارند». مسیحیان این افراد را نادیده نمی گیرند و آنها را تحقیر نمی کنند. پروردگار ما ترجیح داد به سراغ این افراد برود و ما نیز باید همین کار را بکنیم. افرادی که قوی و سالم، راضی و شاد و قادر به انجام مسئولیت هستند، نباید در جایی که قدرت دارند مانند دزد به طعمه خود بچسبند بلکه وظیفه شما این است که با امکانات خود به دیگران خدمت کنید.

13. As a Christian, entering into the problems of everyday life with Jesus and like Jesus also means: not being afraid of the problems at work, in the family, in the world. We can go into the middle of it with Jesus. We can and we should take responsibility, try to solve problems, don't have to be afraid of being overwhelmed. As Christians, we are allowed to go into the dirt of this world and in doing so make our world a little brighter for others.

13. به عنوان یک مسیحی، نزدیک شدن به مشکلات زندگی روزمره با عیسی و مانند عیسی، به این معنی است که از مشکلات در محل کار، خانواده و دنیا نترسیم. ما می‌توانیم با عیسی وارد آن شویم. ما می‌توانیم و باید مسئولیت بپذیریم، و برای حل مشکلات تلاش کنیم، و لازم نیست از غرق شدن هراسی داشته باشیم. ما به عنوان مسیحی می‌توانیم به مقابله آلودگی‌های این دنیا برویم و دنیا را برای دیگران کمی روشن‌تر کنیم.

14. Who is our God, who is Jesus, our Lord? Not one who behaves like a dictator, but one who comes to us at the very bottom, solves our problem with sin and guilt, takes us up, fixes us there in heaven forever. With Jesus I am, as Martin Luther, the founder of our church, says, a "free master over all things", "subject to no one", superior to everything.

14. خدای ما کیست، خداوند ما عیسی کیست؟ نه کسی که مثل یک دیکتاتور عمل کند، بلکه باید پیش ما بیاید، مشکل خطا و گناه ما را حل کند، ما را بالا ببرد، ما را برای همیشه در بهشت جای دهد. همانطور که مارتین لوتر، مؤسس مکتب کلیسایی ما می گوید، با عیسی، من یک «ارباب آزاد بر همه چیز» هستم، و «تسلیم هیچ کس» نمی شوم و برتر از همه هستم.

15. To this Lord Jesus, like the jailer of Paul and Silas, I want to belong and serve. With Jesus and in his footsteps I want to be, as Martin Luther says, "a servant in service to all people" and "subject to everyone" (from "On the Freedom of a Christian"). Thus, with Jesus and like Jesus, I am a king who serves others with his possibilities in the service of Jesus. Amen!

15. من می خواهم مانند زندانبان پولس و سیلاس به این خداوند تعلق داشته باشم و می خواهم به او خدمت کنم. همانطور که مارتین لوتر می گوید، با عیسی و در رکاب او، می خواهم «خدمتی برای همه مردم» و «فرمان بر تمامی افراد» باشم. (برداشتی از «درباره آزادی یک مسیحی»). پس من با عیسی هستم و مانند عیسی پادشاهی هستم که با تمام امکاناتش به دیگران خدمت می کند، آمین.